

# عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلایل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریہ

جزیره قشم – گیاهدان

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْأَفْضَلُ أَنْ يُصَلِّيَ أَوَّلَ الْوَقْتِ<sup>۱</sup> وَيَحْضُلُ بِأَنْ يَشْتَغَلَ أَوَّلَ دُخُولِهِ بِالْأَسْبَابِ،  
وَسَتْرِ عَوْرَةٍ<sup>۲</sup> وَأَذَانٍ وَإِقَامَةٍ، ثُمَّ يُصَلِّيَ.

و بهتر است که نماز را اول وقت بگزارد. و حاصل می شود به آن که اول دخول وقت به اسباب (نماز)، مانند: طهارت گرفتن و پوشیدن عورت و اذان و اقامه مشغول شود، سپس نماز بگزارد.

وَيُسْتَتْنِي الظُّهْرُ، فَيَسُنُّ الْإِبْرَادُ بِهَا فِي شِدَّةِ الْحَرِّ، بِبَلَدٍ حَارٍّ، لِمَنْ يَمْضِي إِلَى جَمَاعَةٍ  
بَعِيدَةٍ، وَلَيْسَ فِي طَرِيقِهِ كَنْ يُظِلُّهُ، فَيُؤَخَّرُ حَتَّى يَصِيرَ لِلْحَيْطَانِ ظِلٌّ يُظِلُّهُ<sup>۳</sup>، فَإِنْ فُقِدَ  
شَرْطٌ مِنْ ذَلِكَ نُدِبَ التَّعْجِيلُ.

۱. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ؟  
قَالَ: «الصَّلَاةُ عَلَى وَقْتِهَا»، قَالَ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «ثُمَّ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ» قَالَ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: «الْجِهَادُ  
فِي سَبِيلِ اللَّهِ» قَالَ: حَدَّثَنِي بِهِنَّ، وَلَوْ اسْتَزِدْتُهُ لَزَادَنِي. بخاری ۵۲۷

عبدالله بن مسعود می گوید: از رسول الله صلی الله علیه و سلم پرسیدم: کدامین اعمال به نزد خداوند محبوب تر است؟ فرمود: نماز در وقت آن. گفتم: سپس کدامین؟ فرمود: نیکی به پدر و مادر. گفتم: سپس کدامین؟ فرمود: جهاد در راه خدا. اینها را به من گفت و اگر از ایشان زیادتر از آن درخواست می کردم بر من می افزود.

۲. در بعضی از نسخه ها بدون: عَوْرَةٍ.

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَبْرِدُوا بِالظُّهْرِ، فَإِنَّ شِدَّةَ الْحَرِّ مِنْ فَيْحِ

جَهَنَّمَ». بخاری ۵۳۸

نماز ظهر را کمی به تاخیر بیندازید تا در خنکی داخل شود. زیرا شدت گرما از حرارت دوزخ است.

و (نماز) ظهر استثنا کرده می‌شود. پس دخول در خنکی برای نماز ظهر در شدت حرارت در سرزمین گرمسیر برای کسی سنت می‌شود که به جماعت دور می‌رود و در مسیر او محافظی نیست که او را زیر سایه‌ی خود قرار دهد، پس (نماز ظهر) را به تأخیر می‌اندازد تا برای دیوارها سایه‌ای شود که او را زیر سایه‌ی خود قرار دهد. پس اگر شرطی از این (شروط) وجود نداشت شتابیدن سنت می‌شود.

وَلَوْ وَقَعَ فِي الْوَقْتِ دُونَ رُكْعَةٍ وَالْبَاقِي خَارِجَهُ فَكُلُّهَا قَضَاءٌ، أَوْ رُكْعَةٌ فَأَكْثَرُ وَالْبَاقِي خَارِجَهُ فَكُلُّهَا آدَاءٌ، لَكِنْ يَحْرُمُ تَعَمُّدُ التَّأخِيرِ عَنِ الْوَقْتِ حَتَّى يَقَعَ بَعْضُهَا خَارِجَ الْوَقْتِ.<sup>۳</sup>

عَنْ أَبِي ذَرٍّ، قَالَ: أَذَّنَ مُؤَدِّنُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الظُّهْرَ، فَقَالَ: «أَبْرِدْ أَبْرِدْ» أَوْ قَالَ: «انْتَظِرْ انْتَظِرْ» وَقَالَ: «شِدَّةُ الْحَرِّ مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ، فَإِذَا اشْتَدَّ الْحَرُّ فَأَبْرِدُوا عَنِ الصَّلَاةِ» حَتَّى رَأَيْنَا فِيءَ الثُّلُوبِ. بخاری ۵۳۵

مؤذن رسول الله صلی الله علیه و سلم اذان ظهر داد. ایشان فرمودند: صبر کن تا خنک شود. و فرمود: شدت گرما از حرارت دوزخ است. پس هرگاه گرما شدت گرفت در خنکی نماز بگزارید. تا این که ما سایه‌ی تپه‌ها را دیدیم.

<sup>۴</sup> . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَدْرَكَ رُكْعَةً مِنَ الصَّلَاةِ، فَقَدْ أَدْرَكَ

الصَّلَاةِ». بخاری ۵۸۰

کسی که یک رکعت از نماز را درک کند نماز را درک کرده است.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَدْرَكَ مِنَ الصُّبْحِ رُكْعَةً قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ، فَقَدْ أَدْرَكَ الصُّبْحَ، وَمَنْ أَدْرَكَ رُكْعَةً مِنَ الْعَصْرِ قَبْلَ أَنْ تَغْرِبَ الشَّمْسُ، فَقَدْ أَدْرَكَ الْعَصْرَ». بخاری ۵۷۹

کسی که یک رکعت از نماز صبح را درک کند قبل از این که خورشید طلوع کند بدون شک نماز صبح را درک کرده است و کسی که یک رکعت از نماز عصر را درک کند قبل از این که خورشید غروب کند، بدون شک نماز عصر را درک کرده است.

و اگر کمتر از یک رکعت در وقت و باقی (رکعات) خارج از وقت واقع شد پس تمام رکعات قضاست؛ یا یک رکعت یا بیش تر (در وقت) و باقی خارج از وقت (واقع شد) پس تمام آن اداست. اما از روی عمد، به تأخیر انداختن (نماز) از وقت تا این که بعضی از آن خارج از وقت واقع شود، حرام می‌شود.

۵. عَنْ أَبِي ذَرٍّ، قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ: «كَيْفَ أَنْتَ إِذَا كَانَتْ عَلَيْكَ أُمْرَاءُ يُؤَخَّرُونَ الصَّلَاةَ عَنْ وَقْتِهَا؟ - أَوْ - يُمَيِّتُونَ الصَّلَاةَ عَنْ وَقْتِهَا؟» قَالَ: قُلْتُ: فَمَا تَأْمُرُنِي؟ قَالَ: «صَلِّ الصَّلَاةَ لَوْ قَتَيْتَهَا، فَإِنْ أَدْرَكْتَهَا مَعَهُمْ، فَصَلِّ، فَإِنَّهَا لَكَ نَافِلَةٌ». مسلم ۶۴۸

ابوذر می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه و سلم به من فرمودند: چه حالی خواهی داشت هرگاه امرائی بر تو حکومت کنند که نماز را از وقت آن به تأخیر می‌اندازند یا می‌کشند؟ ابوذر گفت: مرا به چه چیزی سفارش می‌نمائید؟ فرمودند: نماز را در وقت آن بگزار. اگر همراه آنان نماز جماعتی را درک کردی پس (همراهشان) نماز بگزار زیرا برای تو سنت (نوشته) می‌شود.

عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ فِي دَارِهِ بِالْبَصْرَةِ، حِينَ انْصَرَفَ مِنَ الظُّهْرِ، وَدَارُهُ بِجَنْبِ الْمَسْجِدِ، فَلَمَّا دَخَلْنَا عَلَيْهِ، قَالَ: أَصَلَيْتُمُ الْعَصْرَ؟ فَقُلْنَا لَهُ: إِنَّمَا انْصَرَفْنَا السَّاعَةَ مِنَ الظُّهْرِ، قَالَ: فَصَلُّوا الْعَصْرَ، فَقُمْنَا، فَصَلَّيْنَا، فَلَمَّا انْصَرَفْنَا، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ: «تِلْكَ صَلَاةُ الْمُنَافِقِ، يَجْلِسُ يَرْقُبُ الشَّمْسَ حَتَّى إِذَا كَانَتْ بَيْنَ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ، قَامَ فَتَقَرَّهَا أَرْبَعًا، لَا يَذْكُرُ اللَّهَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا». مسلم ۶۲۲

از علاء بن عبدالرحمن روایت است که: او بر انس بن مالک در منزلش در بصره زمانی داخل شد که از نماز ظهر منصرف شده بود و منزلش جنب مسجد بود. علاء می‌گوید: وقتی بر او داخل شدیم، گفت: نماز عصر خواندید؟ به او گفتیم: تازه نماز ظهر گزاردیم. گفت: نماز عصر بگزارید. ما بلند شدیم و نماز عصر گزاردیم. وقتی منصرف شدیم، گفت: از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که فرمود: این نماز منافق است که می‌نشیند و منتظر خورشید می‌ماند تا این که وقتی بین دو شاخ شیطان قرار گرفت بلند می‌شود و چهار بار نوک می‌زند و در آن نماز، یاد خدا نمی‌کند مگر اندکی.

وَمَنْ جَهَلَ دُخُولَ الْوَقْتِ، فَأَخْبَرَهُ ثِقَةً عَنِ مُشَاهَدَةِ وَجَبَ قَبُولُهُ<sup>۶</sup>، أَوْ عَنِ اجْتِهَادٍ فَلَا<sup>۷</sup>، فَلِلْأَعْمَى وَالْبَصِيرِ الْعَاجِزِ عَنِ الْاجْتِهَادِ تَقْلِيدُهُ<sup>۸</sup>، لَا الْقَادِرِ عَلَيْهِ<sup>۹</sup>.

و کسی که به دخول وقت نادان شد پس شخص با اعتمادی از مشاهده به او خبر داد قبول آن واجب می‌شود؛ یا از اجتهاد (خبر داد) پس نه (تقلید از او جایز نمی‌شود). پس برای نابینا یا بینای ناتوان از اجتهاد، تقلید از او رواست. نه شخص قادر بر اجتهاد (که برای او روا نیست از اجتهاد دیگری پیروی کند).

وَيَجُوزُ اعْتِمَادُ مُؤَدِّنِ ثِقَةٍ عَارِفٍ، وَدِيكَ مُجَرَّبٍ، فَإِنْ فَقَدَ الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ<sup>۱۰</sup> مُخْبِرًا اجْتَهَادًا بِيُورِدِ وَنَحْوِهِ، وَإِنْ أَمَكْنَهُمَا الْيَقِينُ بِالصَّبْرِ، فَإِنْ تَحَيَّرَا صَبْرًا حَتَّى يَظُنَّا، فَإِنْ صَلَّيَا بِلَا اجْتِهَادٍ أَعَادَا وَإِنْ أَصَابَا<sup>۱۱</sup>.

و اعتماد کردن به مؤذن با اعتماد وقت شناس، و خروس تجربه شده جایز می‌شود. پس اگر نابینا یا بینا، (شخص) خبر دهنده (از علم و مشاهده) را از دست دادند با ورود و امثال آن اجتهاد می‌کنند و اگر چه با صبر کردن، یقین (دخول وقت) برای آن دو ممکن می‌شود. پس

<sup>۶</sup>. تحفه المحتاج: زیرا حاجتی برای اجتهاد نیست.

نهایه المحتاج: برای او اجتهاد ممنوع است زیرا قول شخص با اعتماد از مشاهده مانند نص می‌ماند. و همانند نص خبری از اخبار دین است پس همان‌گونه که مجتهد به خبر رسول الله صلی الله علیه و سلم - که نص است - رجوع می‌کند در این جا نیز به خبر ثقه از مشاهده رجوع می‌کند.

<sup>۷</sup>. مجموع: زیرا برای اجتهاد کننده جایز نیست که از اجتهاد کننده‌ی دیگر تقلید کند.

<sup>۸</sup>. در نسخ چاپی و شروحات آمده: **أَوِ الْبَصِيرِ**. اما در چاپ دار المنهاج و نسخ خطی نزد من، آنچه ثبت کردیم.

<sup>۹</sup>. مجموع: به خاطر عدم اهلیت او بر اجتهاد.

<sup>۱۰</sup>. مجموع: زیرا برای اجتهاد کننده جایز نیست که از اجتهاد کننده‌ی دیگر تقلید کند.

<sup>۱۱</sup>. در نسخ چاپی و شروحات آمده: **أَوِ الْبَصِيرِ**. اما در چاپ دار المنهاج و نسخ خطی نزد من، آنچه ثبت کردیم.

<sup>۱۲</sup>. فتح الوهاب المالک: زیرا به همراه شک در دخول وقت، نماز منعقد نمی‌گردد. و لابد است که دخول وقت نماز با علم یا با ظن صورت پذیرد و اگر نه (با شک) جایز نیست. زیرا عبادات با تطابق حدث با واقع یا با ظن مکلف معتبر است.

اگر آن دو متحیر شدند صبر می کنند تا (با اجتهاد) ظن (دخول وقت) ببرند. پس اگر بدون اجتهاد نماز گزارند (نماز را) اعاده می کنند و اگر (به وقت) اصابت کنند.

وَإِنْ مَضَى مِنْ أَوَّلِ الْوَقْتِ مَا يُمَكِّنُ فِيهِ الصَّلَاةَ، فَجُنَّ أَوْ حَاصَتْ، وَجَبَ الْقَضَاءُ.<sup>١٣</sup>

و اگر از اول وقت مقداری بگذرد که نماز در آن ممکن می شود پس (شخص) دیوانه شد یا (زن) حائض شد؛ قضا واجب می شود.

وَمَتَى قَاتَتِ الْمَكْتُوبَةَ بِعُدْرِ نُدْبِ الْفَوْرِ فِي الْقَضَاءِ،<sup>١٤</sup> وَإِنْ قَاتَتْ بِغَيْرِ عُدْرِ وَجَبَ الْفَوْرُ، وَالصَّوْمُ كَالصَّلَاةِ، وَتَرَاحِيهِ<sup>١٥</sup> لِرَمَضَانَ الْقَابِلِ.<sup>١٦</sup>

<sup>١٣</sup> . النجم الوهاج: زیرا قسمتی از وقت را درک کرده است که نماز خواندن در آن ممکن می شود. همان گونه که اگر مالی به نصاب برسد و امکان ادا باشد سپس مال تلف شد زکات لازم او می شود.

<sup>١٤</sup> . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلْيُصَلِّهَا إِذَا ذَكَرَهَا، لَا كَفَّارَةَ لَهَا إِلَّا ذَلِكَ» قَالَ قَتَادَةُ: وَ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ [سوره طه، آیه ١٤]. مسلم ٦٨٤ هر کس نمازی را فراموش کرد، هرگاه به یادش آمد آن را بخواند جز این برای او کفاره ای نیست. قتاده گفت: خداوند می فرماید: نماز را برای ذکر و یاد من برپا بدارید.

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حِينَ قَفَلَ مِنْ غَزْوَةِ خَيْبَرَ، سَارَ لَيْلَهُ حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْكُرَى عَرَّسَ، وَقَالَ لِبِلَالٍ: «الْأَلُّ لَنَا اللَّيْلُ»، فَصَلَّى بِلَالٌ مَا قُدِّرَ لَهُ، وَنَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَصْحَابُهُ، فَلَمَّا تَقَارَبَ الْفَجْرُ اسْتَنَّدَ بِلَالٌ إِلَى رَاحِلَتِهِ مُوَاجَهَةَ الْفَجْرِ، فَغَلَبَتْ بِلَالًا عَيْنَاهُ وَهُوَ مُسْتَنِدٌ إِلَى رَاحِلَتِهِ، فَلَمْ يَسْتَيْقِظْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَا بِلَالٌ، وَلَا أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِهِ حَتَّى ضَرَبَتْهُمُ الشَّمْسُ، فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَوْلَهُمْ اسْتَيْقَاطًا، فَفَزِعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: «أَيُّ بِلَالٌ» فَقَالَ بِلَالٌ: أَخَذَ بِنَفْسِي الَّذِي أَخَذَ - بِأَيِّ أَنْتَ وَأَيُّيَا رَسُولَ اللَّهِ - بِنَفْسِكَ، قَالَ: «افْتَادُوا»، فَاقْتَادُوا رَوَّاحِلَهُمْ شَيْئًا، ثُمَّ تَوَضَّأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَأَمَرَ بِلَالًا فَأَقَامَ الصَّلَاةَ، فَصَلَّى بِهِمُ الصُّبْحَ، فَلَمَّا قَضَى الصَّلَاةَ

و هرگاه نماز فرض با عذر فوت شد شتابیدن در قضا سنت می‌شود. و اگر بدون عذر فوت شد شتابیدن (در قضا) واجب می‌شود. و (حکم) روزه مانند نماز است. و به تأخیر انداختن روزه تا رمضان آینده (در آن تفصیل است که در کتاب الصوم خواهد آمد).

وَيُنْدَبُ تَرْتِيبُ الْفَوَائِتِ وَتَقْدِيمُهَا عَلَى الْحَاضِرَةِ،<sup>۱۷</sup> إِلَّا أَنْ يَخْشَى فَوَاتَ الْحَاضِرَةِ<sup>۱۸</sup>  
فَيَجِبُ تَقْدِيمُهَا.<sup>۱۹</sup>

قَالَ: «مَنْ نَسِيَ الصَّلَاةَ فَلْيُصَلِّهَا إِذَا ذَكَرَهَا»، فَإِنَّ اللَّهَ قَالَ: {أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي} [سوره طه، آیه ۱۴]. مسلم ۶۸۰

<sup>۱۵</sup> . در نسخ چاپی و شروحات بغیر از فیض الإله آمده: وَيَحْرُمُ تَرَاحِيهِ. اما در چاپ دار المنهاج و نسخ خطی نزد من، آنچه ثبت کردیم.

اعراب آن: تَرَاحِيهِ: مبتدا، مرجع ضمیر هاء به الصوم است. لِرَمَضَانَ: جار و مجرور متعلق به مصدر تراخی، الْقَابِلِ: صفت. خبر محذوف، تقدیر آن: وَتَرَاحِيهِ لِرَمَضَانَ الْقَابِلِ فِيهِ تَفْصِيلٌ. فیض الإله.

<sup>۱۶</sup> . فتح الوهاب المالک: زیرا در قضا، توسعه‌ی وقت برای رخصت گذاشته شده است و رخصت به معصیت تعلق نمی‌گیرد.

<sup>۱۷</sup> . عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ، جَاءَ يَوْمَ الْخُنْدَقِ، بَعْدَ مَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَجَعَلَ يَسُبُّ كُفَّارَ قُرَيْشٍ، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا كِدْتُ أُصَلِّيَ الْعَصْرَ، حَتَّى كَادَتِ الشَّمْسُ تَغْرُبُ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وَاللَّهِ مَا صَلَّيْتُهَا» فَقُمْنَا إِلَى بَطْحَانَ، فَتَوَضَّأَ لِلصَّلَاةِ وَتَوَضَّأْنَا لَهَا، فَصَلَّى الْعَصْرَ بَعْدَ مَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ، ثُمَّ صَلَّى بَعْدَهَا الْمَغْرَبَ. بخاری ۵۹۶

در غزوه‌ی خندق، عمر بن خطاب بعد از غروب خورشید آمد و شروع به ناسزا گفتن کفار قریش کرد. گفت: ای رسول خدا، نزدیک بود که نماز عصر را نخوانم تا زمانی که نزدیک شد خورشید غروب کند. رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: قسم به خدا که من نماز عصر را نگزاردم. جابر می‌گوید: پس به بطحان رفتیم. ما و رسول الله صلی الله علیه و سلم برای نماز وضو گرفتیم. بعد از این که خورشید غروب کرد رسول الله صلی الله علیه و سلم نماز عصر گزارد سپس نماز مغرب گزارد.

و ترتیب نمازهای فوت شده و جلو انداختن آن بر نماز حاضر سنت می‌شود مگر که از فوت شدن نماز حاضر می‌ترسد پس (در این صورت) جلو انداختن نماز حاضر واجب می‌شود.

**وَإِنْ شَرَعَ فِي فَائِتَةٍ ظَانًّا سَعَةَ الْوَقْتِ، فَبَانَ ضَيْقُهُ، وَجَبَ قَطْعُهَا وَفِعْلُ الْحَاضِرَةِ.**<sup>۱۷</sup>

و اگر به گمان وسعت وقت، نماز فوت شده را آغاز کرد پس تنگنایی آن آشکار شد قطع آن و انجام دادن نماز حاضر واجب می‌شود.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَحُبِسْنَا عَنْ صَلَاةِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ، فَاشْتَدَّ ذَلِكَ عَلَيَّ، ثُمَّ قُلْتُ: نَحْنُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِلَالٍ فَأَقَامَ الصَّلَاةَ، فَصَلَّى بِنَا الظُّهْرَ، ثُمَّ أَقَامَ، فَصَلَّى بِنَا الْعَصْرَ، ثُمَّ أَقَامَ، فَصَلَّى بِنَا الْمَغْرِبَ، ثُمَّ أَقَامَ، فَصَلَّى بِنَا الْعِشَاءَ، ثُمَّ طَافَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ قَالَ: مَا عَلَى الْأَرْضِ عِصَابَةٌ يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ غَيْرُكُمْ. حسن لغیره، مسنداحمد ۴۰۱۳

ما همراه رسول الله صلی الله علیه و سلم بودیم که (توسط مشرکین) از نماز ظهر، عصر، مغرب و عشاء بازداشته شدیم. این (امر) بر من گران آمد. سپس گفتم: ما همراه رسول الله صلی الله علیه و سلم و در جهاد در راه خدا (اما نماز نگزاردیم). رسول الله صلی الله علیه و سلم به بلال فرمان داد. بلال نماز را اقامه کرد. پس رسول الله صلی الله علیه و سلم به ما نماز ظهر گزارد سپس اقامه کرد و به ما نماز عصر گزارد سپس اقامه کرد و به ما نماز مغرب گزارد سپس اقامه کرد و به ما نماز عشاء گزارد. سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم ما را طواف کرد و سپس فرمود: به غیر از شما بر روی زمین، گروهی وجود ندارد که ذکر و یاد الله عزوجل کنند.

<sup>۱۸</sup> . فتح الوهاب المالک: به آن که یک رکعت در وقت واقع نشود. همان‌گونه که شیخ الاسلام زکریا انصاری، شهاب رملی، فرزندش شمس‌الدین رملی و خطیب شربینی بر آن رفته‌اند.

<sup>۱۹</sup> . فیض الاله المالک و فتح الوهاب المالک: زیرا وقت برای آن تعیین شده است و همچنین تا این که این نماز هم قضا نشود.

<sup>۲۰</sup> . النجم الوهاج: زیرا وقت برای آن تعیین شده است و همچنین تا این که این نماز هم قضا نشود.

وَمَنْ عَلَيْهِ فَائِتَةٌ فَوَجَدَ جَمَاعَةَ الْحَاضِرَةِ قَائِمَةً نُدِبَ تَقْدِيمُ الْفَائِتَةِ مُنْفَرِدًا، ثُمَّ  
الْحَاضِرَةَ.<sup>۲۱</sup>

و کسی که نماز فوت شده‌ای بر (گردن) اوست جماعتی را یافت که نماز حاضره را برپا کرده‌اند مقدم کردن نماز فوت شده به تنهایی، سپس (گزاردن) نماز حاضره سنت می‌شود.

وَمَنْ نَبِيَّ صَلَاةً فَأَكْثَرَ مِنَ الْخُمْسِ، وَلَمْ يَعْرِفْ عَيْنَهَا لَزِمَهُ الْخُمْسُ، وَيَنْوِي بِكُلِّ  
وَاحِدَةٍ الْفَائِتَةِ.<sup>۲۲</sup>

و کسی که یک نماز یا بیش‌تر از نمازهای پنج‌گانه را فراموش کرد و ذات آن نماز را ندانست لازم او پنج نماز است و برای هر کدام نیت نماز فوت شده می‌آورد.

---

<sup>۲۱</sup> . فتح الوهاب المالک: تا این که با گزاردن نماز قضا، عهده‌ی خود را از نماز فوت شده پاک سازد. و همچنین خروج از رأی کسانی که ترتیب را واجب می‌دانند.

<sup>۲۲</sup> . فتح الوهاب المالک: تا این که به یقین از عهده‌ی آن نماز خارج شود.